

رسالة محمد



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رشته: اندیشه سیاسی در اسلام

موضوع پایان نامه:

**مردم سالاری در حیات معقول علامه محمدتقی جعفری**

استاد راهنما:

دکتر مصطفی کواکبیان

استاد مشاور:

دکتر حمید صالحی

تهیه کننده:

هادی زارع زردینی

زمستان ۱۳۹۲

## چکیده:

با رواج اندیشه های دموکراسی در جوامع اسلامی و مطرح شدن افراد به عنوان شهروند که دارای جایگاه و تأثیر در حیات سیاسی است، پرسشهایی در رابطه با نوع و میزان مشارکت مسلمانان در سیاست و جوابهای دین اسلام به این پرسشها، مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفت. اندیشمندان شیعه نیز در مقابل این اندیشه نوین و براساس منابع اصلی دینی (قرآن، حدیث، عقل و اجماع) و براساس دیدگاهی که به مفهوم دموکراسی و رابطه آن با مفاهیم دینی دارد به جهت گیری در مقابل دموکراسی پرداخته اند.

علامه جعفری از جمله اندیشمندان شیعه است که نظریاتی را در رابطه با جایگاه مردم در سیاست بر اساس منابع اسلامی بیان کرده است.

علامه جعفری بابیان نظریه **حیات معقول** که شالوده و اساس نظریات این عالم را در رابطه با موضوعات مختلف تشکیل می دهد، به بررسی جایگاه و میزان و همچنین نحوه مشارکت مردم در سیاست بر اساس اسلام پرداخته است. همچنین علامه جعفری به بررسی مفاهیم مرتبط با دموکراسی غربی و بیان جایگاه این مفاهیم در اسلام پرداخته است.

در این پژوهش بعد از بیان کلیات در فصل اول، در فصل دوم به بیان نظریات مختلفی که در رابطه با دموکراسی و انواع آن و همچنین نظریه حیات معقول علامه جعفری پرداخته شده است، در فصل سوم به بیان جایگاه دموکراسی در حیات معقول و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته می شود و نحوه مشارکت مطلوب در سیاست از دیدگاه علامه جعفری مورد بررسی قرار می گیرد و در فصل چهارم جامعه آرمانی علامه بر اساس نظریه حیات معقول مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

**توضیحات:** در این تحقیق مطرح شدن نظریات علمای دیگر، در رابطه با موضوع مورد بحث از لحاظ مقایسه این دیدگاهها با دیدگاه علامه جعفری نیست بلکه هدف بیان جایگاه و اهمیت بحث در اندیشه علمای شیعه و تکمیل نظریات علامه جعفری است.

## کلید واژه ها:

حیات معقول، آزادی، اختیار، کثرت گرایی، رهبری

## فهرست

### : کلیات

- : طرح مسئله
- : پرسشهای پژوهش
- : سوال اصلی:
- : سوالات فرعی :
- : فرضیه اصلی:
- : فرضیه فرعی:
- : ادبیات، و وجوه ابتکاری تحقیق
- : ساماندهی تحقیق

### : چارچوب نظری

- : نظریه دموکراسی
- : ویژگیهای دموکراسی :
- : مبانی نظریه حیات معقول
- : اصول حیات معقول:
- : هستی شناسی:
- : انسان شناسی:
- : معرفت شناسی(شناخت شناسی):
- : اجتماع شناسی:
- : سیاست:
- : جایگاه ایمان در حیات معقول:
- : قانون در حیات معقول:
- : نظریه حیات معقول
- : ویژگیهای حیات معقول:

:

## مردم سالاری در حیات معقول

- آزادی :
- شرایط بهره مندی از آزادی: -----
- محدودیتهای آزادی: -----
- اهمیت آزادی: -----
- مبانی نظری آزادی در اندیشه شیعه: -----
- آزادی در حیات معقول: -----
- کثرت گرایی در حیات معقول -----
- ویژگیهای اکثریت در حیات معقول: -----
- جامعه مدنی -----
- جامعه دینی برتر از جامعه مدنی در حیات معقول: -----
- بخش چهارم: مدرنیسم و حیات معقول -----
- بستر مشارکت مردم در حیات معقول: -----

## فصل چهارم:

### ویژگیهای مشارکت مردم در حیات معقول

- قرار گرفتن، خواست مردم و رضایت خدا در یک جهت -----
- جایگاه خدا در حیات معقول: -----
- رابطه خدا و انسان در حیات معقول: -----
- هماهنگی ماده و معنی(دنیا و آخرت در حیات معقول -----
- رابطه ماده و معنا در مسیر حیات : -----

----- نتیجه گیری: -----

----- : -----

فصل اول:

کلیات

## بخش اول: طرح مسئله:

اسلام دینی است جاودانی، که با ظهور آن راه جدیدی در زندگی بشریت گشوده شد. این دین آخرین دین الهی است و دستورات و قوانین آن مطابق فطرت و پاسخگوی تمام مشکلات بشریت است. دین اسلام برای پاسخگویی به نیازهای بشر دارای اصولی است که به دونوع اصول پایدار که در تمام زمانها و مکانها، ثابت و پایدار است و **متحول** که براساس شرایط زمانی و مکانی قابل تغییر است.

وظیفه تطبیق اسلام با نیازهای، مختلف و پاسخ گویی به مسائل جوامع در مرتبه اول برعهده معصومین و در صورت عدم دسترسی به معصومین برعهده علمایی است، دارای شناخت کامل و جامع از اسلام و هدفهای این دین الهی است، می باشد.

با برخورد تمدن اسلامی با تمدن غربی و به دلیل عقب ماندگی جوامع اسلامی، از جوامع غربی، ایده ها و اندیشه های جدیدی وارد جوامع اسلامی شد. همچنین در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی براساس ارزشهای معنوی و احکام الهی در ایران، باردیگر تفکر دینی به عنوان اندیشه ای، پویا و زنده، در عرصه حیات معنوی انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات ارزشهای و حیانی اسلامی از سویی سبب بیداری و خود باوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم ستیزی در آنان شد. از سوی دیگر سوالاتی را در رابطه با جایگاه فرد مسلمان در حیات سیاسی مطرح کرده است، که نیازمند پاسخ گویی دینداران و علمای مسلمان است.

علامه جعفری از جمله دانشمندان و نظریه پردازان مسلمان است، که با بیان اندیشه حیات معقول به بیان حکومت مطلوب اسلامی و نحوه مشارکت مطلوب مردم در سرنوشت خود از دیدگاه اسلام پرداخته است. و به بررسی نظریه دموکراسی و مفاهیم مرتبط با آن و دیدگاه اسلام در رابطه با این مفاهیم پرداخته است.

## بخش دوم: پرسش های پژوهش

**سوال اصلی:** نحوه نگرش علامه جعفری به مشارکت مردم در سیاست، چگونه است و نظریه دموکراسی

در اندیشه علامه چگونه تبیین شده است؟

**سوالات فرعی:** ۱- نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه علامه جعفری چگونه نظامی است؟

۲- ویژگیهای زمامدار در اندیشه علامه جعفری چیست؟

۳- جایگاه آزادی در اندیشه علامه جعفری چیست؟

**فرضیه اصلی:** مشارکت مردم در سیاست در چارچوب دستورات اسلام، در نظریه حیات معقول علامه جعفری به عنوان رکن اساسی مطرح است.

**فرضیه فرعی:** ۱- در غیاب امام معصوم، نظام ولایت فقیه بهترین نظام است.

۲- عدالت، ایمان، بلوغ عقلی و توانایی براداره جامعه از شرایط زمامدار در اندیشه علامه جعفری است.

۳- آزادی یکی از امتیازات حیات معقول است.

## بخش سوم: ادبیات، سابقه و وجوه ابتکاری تحقیق:

از جمله آثاری در این بخش مورد استفاده قرار گرفته اند، عبارتند است: ۱- کتابهای اندیشه سیاسی علامه جعفری، نوشته یوسفی راد: در این کتاب نویسنده به بررسی اندیشه سیاسی علامه جعفری پرداخته است.

۲- سیری در اندیشه سیاسی و اجتماعی علامه جعفری نوشته اسماعیل پورجعفر: در این کتاب نویسنده به بررسی اندیشه های سیاسی و اجتماعی علامه پرداخته است.

به طور کلی می توان گفت تحقیق فعلی، از محدود پژوهش هایی باشد، که به بررسی اندیشه علامه در یک موضوع خاص (مردم سالاری) باشد.



## بخش چهارم: اهداف پژوهش

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام سیاسی که مبتنی بر اسلام و مشارکت مردم در سیاست بود، نقش و جایگاه اسلام سیاسی در جهان مورد توجه محققان قرار گرفت و از جمله راههای شناخت، اسلام بررسی آثار متفکران مسلمان، و اندیشه های آنان در رابطه با موضوعات مختلف است. از جمله این متفکران علامه جعفری است، که آثار فراوانی را برای معرفی اسلام و مقابله با هجوم اندیشه های غربی و پاسخ به سوالات جوانان پرداخته است. با شناخت اندیشه های این عالم بزرگوار می توان به شناخت اسلام و پاسخ این دین به مسائل جامعه پرداخت.

این پژوهش با توجه به الگوی مردم سالاری که بعد از انقلاب اسلامی در ایران بوجود آمده است، به بررسی رابطه ای که بین نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه اسلام و جایگاه مردم در تحقق یافتن این نظام مطلوب و ویژگیهای این نوع نظام نسبت نظام های سیاسی دیگر پرداخته است.

## بخش پنجم: ساماندهی تحقیق

فصل اول: در این فصل به مساله مورد پژوهش در این پژوهش، سوال ها، فرضیه ها و اهداف آن بیان می شود.

فصل دوم: در فصل دوم به بررسی دو نظریه دموکراسی و حیات معقول علامه جعفری، و دیدگاههای این نظریات به انسان جهان و مفاهیم سیاسی این دو نظریه می پردازد.

فصل سوم: در این فصل به بررسی مفاهیم مرتبط با دموکراسی و جایگاه این مفاهیم در حیات معقول و بدیلهای اسلامی این مفاهیم در حیات معقول پرداخته است.

فصل چهارم: در این فصل به بررسی دموکراسی آرمانی اسلامی بر اساسی حیات معقول پرداخته شده است.

## فصل دوم

چارچوب نظری پژوهش

## بخش اول: نظریه دموکراسی

بشریت از زمان تشکیل حکومت و دولت در تاریخ خود، نظامهای سیاسی گوناگونی رامشاهده و تجربه کرده است. با این فرض، اندیشمندان و نظریه پردازان سیاسی هرکدام با در نظر گرفتن ملاک ومعیارهای مورد نظر خود، نظامها و حکومتها را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند، یکی از این نظامها نظام دموکراسی است، دموکراسی که نظریه ای است که به نقش وجایگاه مردم درسیاست معتقد است، این نظریه با وجود ریشه هایی که در یونان باستان دارد، اما آنچه که از این نظریه مورد توجه است، شیوه حکومتی است که براساس این نظریه در غرب ودر سده های اخیر مطرح شده است.

**معنا:** دموکراسی واژه ای است برگرفته از واژه یونانی دمو، به معنی مردم و کراسیا به معنی قدرت. دموس در کاربرد آتنی یونانی به معنای جمع روستائیان بوده است واز این رو هر واحد روستایی را در آتن دمویی وساکنان آن را دموتیامی نامیدند. در سده پنجم پیش از میلاد تغییری در معنای دموس پدید آمد و این واژه بر اجتماع همه مردم آتن اطلاق شد که برای اجرای کارهای حکومتی گردهم می آمدند و کنکاش می کردند. در این معنی، دموس هردوی روستائیان وشهریان را در بر می گرفت. در نتیجه اصلاحات کلاستین ، قانونگذار آتنی، اداره جامعه آتن به دست روستائیان افتاد واز آن پس حکومت آتن را دموکراسیا نامیدند، یعنی حکومت روستائیان. این معنی نیز اندک اندک گسترش یافت تا آن که دموکراسی اسم عام شد برای حکومتهایی که به دست مردم گردانده شود. در یک کلام، دموکراسی معنی قدرت مردم را یافت. (عالم : ۱۳۸۴، ص ۲۹۳)

با وجودی که در جهان امروز حکومت هایی که به صورت دموکراسی اداره می شوند، دارای ویژگیهای یکسانی هستند، اما نظریه هایی که در رابطه با این مفهوم بیان شده است، دارای گستردگی زیادی است و اندیشمندان مختلفی در رابطه با آن بیان شده است.

دموکراسی در مخالفت با حکومت استبدادی وخودکامگی پدیدار شد، اما همه جانبداران آن دیدگاههای یکسانی ندارند. برخی آزادی راهدف عمده حکومت می دانند وبرخی دیگر برابری را کمال مطلوب دموکراسی تلقی می کنند. فاینر پس از بررسی دقیقی به این نتیجه رسید که بسیاری از دموکراتها آزادی راتنها وسیله برای دیگر هدفها دانسته اند. (همان، ص ۲۹۴)

به عقیده هرینشاو، در حکومت دموکراتیک، کل جامعه دارنده اقتدار برتر است و تسلط نهایی کارها از آن اوست. در تعریف بریس از دموکراسی آمده است: آن شکلی از حکومت است که در آن قدرت فرمانروایی دولت به طور قانونی، به همه اعضای جامعه به طور کل واگذار شده است. یعنی در جامعه هایی که انتخابات وجود دارد، فرمانروایی به اکثریت تعلق دارد، زیرا برای تعیین مسالمت آمیز و قانونی اراده جامعه ای که اتفاق آراء ندارد، هیچ شیوه دیگری وجود ندارد. (همان، ص ۲۹۵)

دموکراسی حکومتی است که در آن مردم یا اکثریت آنها دارنده قدرت نهایی تصمیم گیری درباره مسائل مهم سیاست عمومی اند. چنین حکومتی است که در آن مردم یا اکثریت آنها دارنده قدرت نهایی تصمیم درباره مسائل مهم سیاست عمومی اند. چنین حکومتی هدفی در خود نیست، بلکه وسیله ای است برای دست یافتن به هدفهای بسیار مهمتر مانند زندگی خوب برای همه ساکنان کشور، حداکثر آزادی فردی همراه با تأمینات عمومی، نظم و رفاه، بیشترین امکانات برای همه، رشد کامل شخصیت افراد و مشارکت فعال بیشترین شمار ممکن شهروندان در حکومت. (همان، ص ۲۹۶)

### ویژگیهای دموکراسی:

در غرب دموکراسی به عنوان حکومتی دارای برتری بر شیوه های حکومتی است معرفی شده است، غربی ها وجود قانون، و عمل بر اساس قانون را در مقابل استبداد، و همچنین برابری افراد در مقابل قانون را از ویژگیهای این نوع از نظام سیاسی می دانند.

**قانون:** تا پیش از سده نوزدهم دموکراسی به مثابه نظام نهادهای سیاسی پدیدار نشده بود اما از این زمان به بعد نهادهای اساسی سیاسی را در بر گرفت. نخستین این نهادهای سیاسی، قانون اساسی مکتوب بود که دموکراسی را در نیمه دوم سده هجدهم در زمان انقلابهای آمریکا و فرانسه به عنوان ضرورت حکومت ظاهر کرد و نشانه اصلی رشد آن به عنوان شکلی از حکومت بود. حکومت دموکراتیک برای آشکار کردن خواست حکومت شوندگان باید دارای دستگاهی محدود و با ثبات باشد و قوانین اساسی نوشته شده این وظیفه را عملی می کنند.

دومین اندیشه مهم درباره حکومت در نظامی دموکراتیک، گرایش به هواداری از حکومت قانون است، که معنی حاکمیت قانون را در بردارد نه حاکمیت مردمان را. قانون اساسی نوشته شده و حاکمیت قانون پایه بنیادین حکومت راهمانگ با اراده مردم به وجود می آورند.

سومین ضرورت بنیادی دموکراسی به عنوان شکلی از حکومت یک اعلامیه حقوق برای حمایت از آزادیهای شخصی است. چگونگی این حقوق، موضوع فلسفه اجتماعی است و نیروهای آفریننده جامعه آن را شکل می دهند. (همان، ص ۲۹۷)

مزایا: ۱- کارایی حکومت: یکی از مهمترین معیارهای توانمندی یا ضعف شکل خاصی از حکومت، کارآمد بودن آن است. کارآمدی حکومت را باطرز عمل آن در شرایط عادی و نیز طی شرایط اضطراری یا بحرانی می سنجند. خود حکومتی، توده ها را به انضباط می کشاند و در آنان حس مسئولیت بوجود می آورد و به شهروندانی فداکار و از خود گذشته تبدیل می کند.

۲- تأمین آزادیهای فردی: دموکراسی تنها شکل حکومت است که آزادیهای فردی را تأمین و به واسطه قانون اساسی، حقوق شهروندان را تضمین می کند.

۳- تأمین برابری: دموکراسی خواهان برابری در هر دو زمینه اقتصادی و سیاسی است و حق رأی، حق اعتراض به انتخابات و حق دست یافتن به مقامات عمومی را بدون هیچ گونه تبعیض بر پایه طبقه، رنگ پوست، کیش یا جنس می پذیرد. در زمینه اقتصادی برابری فرصتها و امنیت اقتصادی را برای توده تأمین می کند. (همان، ص ۳۰۱)

۴- آموزش توده ها: دموکراسی برآستی تجربه گسترده ای در آموزش عمومی دارد. مبارزات انتخاباتی در واقع یک آموزش سیاسی است. در انتخابات عمومی یاد هر نوع انتخابات دیگر، مسائل عمومی را نامزدهای گوناگون و رأی جمع کنهای آنها مورد بحث قرار می دهند. جزوهایی به گستردگی پخش می شوند. ... از این راهها، عموم مردم از لحاظ سیاسی آگاهی می یابند، و رأی دادن آنها نشانه ترجیحی است که به حزب و نامزدی می دهند که سیاستها و برنامه های آن را دوست دارند. (همان، ص ۳۰۱ و ۳۰۲)

۵- تأمین ثبات حکومت: دموکراسی از خطرهای انقلاب مصون است زیرا حکومتی است از راه ترغیب و تشویق، بحث و گفتگو. وقتی مردم می توانند حکومت خود را برآی عدم اعتماد یا راه دادن رأی تغییر بدهند دلیلی ندارد

که علیه حکومت در قدرت دست به خشونت بزنند. دموکراسی باکوشش برای از بین بردن نابرابریهای اقتصادی، نارضایی احتمالی را از بین می برد.

۶- نظم و پیشرفت: دموکراسی تنها شکل حکومت است که در آن، چنانچه داشت صلح و نظم در کشور، کامیابی مردم هدف است و آنها را به پیشرفت در زمینه های گوناگون زندگی قادر می کند.

۷- ارزش مردم: دموکراسی با پذیرش فرد، پیشرفت ابتکار و تهور را تشویق می کند و در اوج مسئولیت می پرورد. (همان، ص ۳۰۲)

۸- شکل معقول حکومت: دموکراسی بر این اصل متنی است که هیچ کس از خطا مبرا نیست و امکان دارد هر کس اشتباه کند، همان طور که هیچ کس نمی تواند ادعا کند که بی عیب است. دموکراسی روند بحث و انتقاد را می پذیرد. روند مداوم بحث و مذاقه به عنوان یک اصلاح کننده ضرور برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت یا جلوگیری از خطا در داوری به کار می آید. (همان، ص ۳۰۳ و ۳۰۴)

۹- تکریم نکردن قدرت: مک آیور عقیده دارد که دموکراسی بر روانشناسی قدرت بستگی ندارد. دموکراسی مراقبتهای چند جانبه را تأیید می کند و نمی گذارد حس قدرت طلبی در طبقه حاکم رواج یابد. در دموکراسی، حکومت یک امین است، و بنابراین، طبقه حاکم و سوسه نمی شود قدرت را تجلیل و تکریم کند. (همان، ص ۳۰۴)

معایب: ۱- حکمرانی جهالت: ارسطو، پدر علم سیاست، دموکراسی را به عنوان شکل فاسد و گمراه حکومت، نوعی

۲- مطلوبیت ثروت: اغلب دموکراسی های جدید، سرمایه داری اند. این دموکراسی ها از طبقات مالک جانبداری می کنند. رأی کالایی قابل فروش شده است و برنده مزایده می تواند آن را خریداری کند. آشکارا عده ای ثروتمند، بازرگانان یا سرمایه داران بزرگ آن را می خرند و در نهایت حکومتها را در اختیار می گیرند. (همان، ص ۳۰۴ و ۳۰۵)

۳- تردید در ارزش اخلاقی دموکراسی: دموکراسی از لحاظ اخلاقی مردم را فرومایه می گرداند. مبارزات پرتزویر و بهتان آمیز که احزاب سیاسی به راه می اندازند، نه تنها مسائل را مبتدل، بلکه فساد را نیز زیاد می کند و توده ها را به آدمهای مصنوعی تبدیل می نماید. دستگاه اداری هم فاسد می شود. (همان، ص ۳۰۷)

۴- شر سیاست حزبی: احزاب سیاسی برای دموکراسی ضروری اند. اما با محروم کردن اشخاص دارای استعداد در احزاب دیگر از رسیدن به مقامات اصلی در کشور و با انتصاب اعضای داخلی حزبی به آن مقامات حتی اگر میانه حال باشند، نقش بدی را بازی می کنند. (همان، ص ۳۰۹)

با وجود نظریات مختلفی که در رابطه با دموکراسی بیان شده است، اما آنچه که بیش از همه در مورد این نظریه مورد توجه است، این موضوع است که دموکراسی حکومتی است، که توسط مردم انتخاب می شود و مردم بر آن نظارت می کنند. و ویژگی مهم این نظام این است، که در آن گوناگونی اندیشه ها و باورها را تحمل می کند و در عین حال دست به دست شدن قدرت در آن به صورت مسالمت آمیز مهم ترین دستاورد این نظام است.

در رابطه با دموکراسی دو مسئله وجود دارد، مسئله اول دموکراسی به عنوان، ساختار و شکلی از حکومت است، که می توان گفت که با تعالیم اسلامی تضاد ندارد و می تواند مورد تأیید اسلام باشد. اما دیدگاه دیگر مربوط به اندیشه و پایه ای است که دموکراسی در غرب بر اساس آن شکل گرفته است، که از جمله این پایه می توان به توجه غرب به انسان محوری بجای خدامحوری و تبدیل شدن این شیوه حکومتی به هدف در جوامع غربی است که توسط اندیشمندان شیعه مورد نقد و رد قرار گرفته است.

### **بخش دوم: مبانی حیات معقول علامه جعفری**

به صورت کلی سعادت و به ویژه سعادت اخروی و رسیدن افراد جامعه به سعادت و غایت حیات انسان محور اندیشه علامه جعفری است و نظریه حیات معقول نیز بر همین اساس بنا شده است. از دیدگاه علامه جعفری (و اغلب علمای شیعی) باید حکومت و زندگی فردی افراد جامعه به گونه ای تنظیم شود و شرایط فردی و اجتماعی به گونه ای فراهم شود که افراد برای رسیدن به سعادت تلاش کنند و حکومت علاوه بر رفاه مادی شرایط رسیدن افراد به سعادت اخروی را نیز فراهم کند. بر این اساس علامه جعفری رفاه دنیوی و سعادت اخروی را مکمل یکدیگر می داند و استفاده از نعمتهای دنیوی را در جهت سعادت لازم می داند.

ریشه این نظریه علامه را باید متن اسلامی وبه ویژه سیره سیاسی مسلمانان صدراسلام دانست، که آنان را تشویق به استفاده از نعمتهای دنیا در جهت رسیدن به سعادت اخروی باید دانست، از جمله در آیه ۷۷ سوره قصص خداوند می فرماید:

«وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۷۷)»

و بجو در آنچه خدا به تو داده خانه آخرت را و بهرهات از دنیا را فراموش مکن و همان طور که خدا به تو احسان کرده تو نیز احسان کن و در پی فساد انگیزی در زمین نباش که خدا مفسدان را دوست نمی دارد.»

هچنین قرآن به مومنان وعده حیات طیبه رادرسرای آخرت را به عنوان غایت ایمان وعمل صالح مطرح کرده است. بنابراین مامی توانیم قرآن رابه عنوان ریشه تمام نظریات سیاسی اسلام واز جمله حیات معقول علامه جعفری معرفی کنیم. زیرا علامه جعفری این نظریه رابراساس قرآن وسعادت جامعه براساس قرآن بیان کرده است.

ازدیگرمنابعی که برای طرح این نظریه می توان مطرح کردسنت به ویژه نهج البلاغه است که توسط حضرت علی(ع) به عنوان فردی آگاه به قرآن ومعصوم که به تمام جنبه های سعادت بشری ،احاطه دارد نام برد.

انسان فطرتاً جویای سعادت خویش است؛ از تصور وصول به سعادت غرق در مسرت می گردد، نظریه حیات معقول علامه نیز درپاسخ به این نیاز انسان وجامعه بشری بیان شده است، درنتیجه ابتدا باید مفهوم سعادت وکمال را مورد توجه قرار داد:

**مفهوم کمال:** موجودات زنده که باآنها سروکارداریم - اعم از گیاه وحیوان وانسان - استعدادهای متراکم دارند که فراهم آمدن زمینه هاوشرایط مساعد،موجب بروزوظهوروبه فعلیت رسیدن آن نیروهای نهفته می شود وبا به فعلیت رسیدن آن استعدادها،آن موجودات واجدچیزی می شوند که پیش ازآن فاقدآن بودند.

بدین سان تلاش وتکاپوی طبیعی همه موجودات زنده برای تحقق بخشیدن کامل به استعدادهای درونی



آن‌هاست. پس کمال صفتی وجودی است که موجودی به آن متصف می‌شود و حاکی از دارایی و غنای حقیقی یک موجود در مقایسه با موجود دیگر است. (مصباح یزدی؛ محمدتقی، ۱۳۸۰، ص ۳۴-۳۵)

**مراد از کمال:** کلمه ی کمال در امور تکوینی معنای ارزشی ندارد، بلکه در اینجا مراتب وجود در نظر است. هستی در یک جا مرتبه است و آثار بیشتر را در دو جایی کمتر به اصطلاح فلسفی، وقتی بین موجودات از جهت مرتبه وجودی تفاوت قائل می‌شود، آن مفهوم ارزشی را در نظر نمی‌گیرد و عرفاً امر تکوینی و حقیقی مورد نظر است. مثلاً مقایسه نبات و جماد. (مصباح، محمدتقی؛ ۱۳۸۸، ص ۹۰)

اما گاهی مقام و منزلت انسان را به عنوان ارزش اخلاقی، بررسی می‌کنیم وقتی می‌گوییم این انسان کامل تراست یا شرافت دارد، منظور مفاهیمی است که دارای ارزش اخلاقی است، با توجه به این مقدمات، وقتی آیات قرآن را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم بسیاری از اختلافات ظاهری که در آیات است، به همین جا برمیگردد. وقتی خدا می‌فرماید (مآدمی زادگان را گرامی داشتیم) (اسرا ۱۷ و ۷۰) مقام مقایسه با سایر آفریده ها چیزهایی را ذکر می‌فرماید که ارزش اخلاقی نداد است. یک سلسله نعمتها را بیان می‌کنند که به انسان داده و با موجودات دیگر نداده است. (مصباح: ۱۳۸۸، ص ۹۰)

اما از آنجایی هم که در مقام مذهب انسان است و صفات و خصلت های ناپسندی را برای ذکر می‌کند، این ناپسند گاهی از نظر اخلاقی باید بررسی شود. و گاهی از جنبه ی تکوینی وقتی می‌فرماید (و انسان متعقب آفریده شده است) (نسا ۲۸) طبعاً با مقام مقایسه موجوداتی است که این ضعف را ندارند. (همان، ص ۹۱)

علامه جعفری حرکت تکاملی انسان و جامعه را از نقص به سوی کمال می‌داند، و این حرکت را هماهنگ با نظام آفرینش می‌داند، تا هر کس بتواند استعدادهای خود را شکوفا کند و هیچ استعدادی بلا استفاده باقی نماند.

**سلسله کمالات:** ۱- موجودات مادی را به حسب کمالات وجودی می‌توان درجه بندی کرد و در میان موجوداتی که ما با آنها آشنا هستیم، جمادات در درجه نازل تر و نباتات و حیوانات به ترتیب در وسط و انسان در درجه عالی تری قرار دارد. (همان، ص ۴۱)

۲- هر موجود مادی که دارای درجه عالی تری از وجود باشد، واجد قوای نازل تر نیز می‌باشد تا آنها را در راه تکامل خویش استخدام کند.

۳- بهره برداری از نیروهای نازل تر باید در حدی باشد که برای رسیدن به کمالات عالی ترمفید افتد، و گرنه موجب رکود و توقف سیر تکامل و احیاناً موجب تنزل و سقوط می‌گردد.

۴- کمال حقیقی هر موجودی عبارت است از آنچه آخرین فعلیتش اقتضای رسیدن به آن را دارد؛ مثلاً کمال درخت سیب در سیب دادن است و سایر کمالاتی که باین کمال اختلاف ماهوی دارد و بالطبع در درجه نازل تری قرار می‌گیرند، کمال این موجود به شمار نمی‌آیند؛ مگر به عنوان مقدمه.

۵- لازم است برای تعیین میزان بهره برداری از نیروهای مادون، کمال حقیقی و اصیل را در نظر گرفت. به عبارت دیگر اوصاف وجودی نازل تر را در صورتی می‌توان حتی به عنوان کمال آلی و مقدمی برای یک چیز شناخت که مقدمه رسیدن به کمال عالی و حقیقی باشد و از اینجا بار دیگر بر لزوم شناختن کمال حقیقی انسان تأکید می‌گردد. (همان، ص ۴۲)

فارابی نیز به تقسیم بندی کمال پرداخته: فارابی کمالات مطلوب انسان را به دو قسمت معیشتی و اخروی تقسیم کرده است که در کمال معیشتی، انسان به واسطه تأمین معاش و کسب احتیاجات ضروری زندگی و همچنین کسب فضایل اخلاقی و معنوی، بدان نایل می‌شود و در کمال اخروی، که همان «سعادت قصوی» است و در عالم آخرت محقق می‌شود؛ از مجرای کمال معیشتی و کمال نخست می‌توان آن را تحصیل کرد. (مهارجرنیا: ۱۳۸۰، ص ۱۴۴)

علامه طباطبایی در این مورد بیان می‌کند: توضیحی درباره اینکه یکی از سنن الهی به کمال رساندن همه موجودات است و انسان علاوه بر کمال تکوینی، با سنت تشریح به سوی کمال هدایت شده است.

«لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذَكْرَةً وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ» این آیه بیان می‌کند که چرا ایشان را در کشتی‌های نجات سوار کرد، پس ضمیر در "نَجْعَلَهَا" به کلمه "حمل" که از جمله "حملناکم" استفاده می‌شود برمی‌گردد، به اعتبار اینکه حمل مذکور رفتاری است از خدا با بشر، پس در حقیقت معنای جمله این است که اگر ما این رفتار را با شما

کردیم برای این بود که این رفتار خود را تذکره‌ای - مایه تذکری - برای شما قرار دهیم، تا از آن عبرت بگیرید، و اندرز شوید. و کلمه "تعیها" از مصدر "وعی" است، "وعی" به معنای ریختن چیزی در ظرف است، و مراد از "وعی" اذن برای آن حمل "این است که: مردم داستان حمل کشتی نوح را در گوش و هوش خود جای دهند و از یادش نبرند، تا اثر و فایده‌اش که همان تذکر و اندرز گرفتن است مترتب شود.

در این آیه با هر دو جمله‌اش به هدایت ربوبی به هر دو نوعش یعنی "ارائه طریق" رساندن به مطلوب " اشاره شده است، توضیح اینکه یکی از سنت‌های عامه ربوبی که در سراسر عالم جاری است این است که هر نوع از انواع موجودات را به کمال لایقش و آن هدف نهایی که بر حسب وجود خاص به خودش متوجه آن است برسد، و به همین منظور آن موجود را به جهازات و ابزارهای مجهز کرده که او را در رسیدن بدان هدف کمک کند، هم چنان که قرآن کریم فرمود: «الَّذِي أُعْطِيَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» پروردگاری کسی است که هر چیزی را که خلقتش داده هدایتش هم کرد (سوره طه، آیه ۵۰)

و نیز فرموده: «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ وَ الَّذِي قَدَّرَ فْهَدَىٰ» خدایی که خلق کرد و تمام عیار و بی نقص خلق کرد، و اندازه‌گیری نموده سپس هدایت کرد. (سوره اعلیٰ، آیه ۲ و ۳)

که توضیح آن در تفسیر دو سوره طه و اعلیٰ و غیر آن دو گذشت. انسان هم در اینکه استکمالی تکوینی و راهی به سوی کمال وجودیش دارد، مانند سایر انواع موجودات مادی است، که همه به هدایت ربوبی به سوی کمال وجودیشان سوق داده می‌شوند، چیزی که هست انسان به هدایت دیگری اختصاص یافته، و آن هدایت تشریحی است، آری نفس انسانی استکمالی از طریق افعال اختیاری خود دارد، چون این افعال اختیاری در اثر تکرار، اوصاف و حالات درونی در او پدید می‌آورد، و در زندگی دنیائیش دارای ملکات و احوالی می‌شود که همین ملکات غایت و نتیجه زندگی او است، و با این ملکات سرنوشت زندگی ابدیش معین می‌شود. (طباطبایی

: ۱۳۷۴ (جلد نوزدهم)، ص ۶۵۷)

وهمین معنا باعث شده که دربین تمامی موجودات خصوص او، مورد عنایت بیشتری قرار بگیرد و از راه ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی برایش سنت دینی مقرر کنند، و به سوی آن سنت راهنمایی کنند، تا بعد از فرستادن رسولان، دیگر مردم علیه خدای تعالی حجتی نداشته باشند.

«لَيْتَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» تا برای مردم، بعد از این پیامبران، بر خدا حجتی باقی نماند (سوره نساء، آیه ۱۶۵)

و همه اینها، هدایت به معنای راه نشان دادن و اعلام صراط مستقیم است، که خود انسان بدون راهنمایی خدای تعالی نمی تواند آن را پیدا کند، همچنان که فرمود: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند (سوره دهر، آیه ۳)

حال اگر این راه را دنبال نکند، و از آن منحرف نشود، به زندگی طیب و سعیدی خواهد رسید، و اگر از دستش بدهد و از آن اعراض کند به شقاوتی دائمی می رسد، و حجت خدایی به هر حال علیه او تمام می شود، همچنان که فرمود: «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ» تا هر کس هلاک می شود دانسته هلاک شود، و آن کس هم که زنده می گردد بدلیل زنده شود. (سوره انفال، آیه ۴۲)

حال که این معناروشن شد معلوم گردید که یکی از سنت های الهی این است که بشر را از راه ارائه طریق به سوی سعادت حیاتش هدایت کند. جمله «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذَكُّرًا» به همین معنا اشاره می کند چون تذکره به معنای این است که راه سعادت او را به یادش بیاورند، و این مستلزم آن نیست که آدمی تذکره پیدا نکند، و حتماً راه سعادت را پیش بگیرد، ممکن است تذکره او اثر نکند، و ممکن هم هست اثر نکند. (همان، ص ۶۵۷ و ۶۵۸)

یکی دیگر از سنت های الهی این است که همه موجودات را به سوی کمالشان هدایت کند، و به سوی آن نقطه به حرکتشان در آورد، و به آن نقطه برساند، جمله «وَوَعِيَهَا أَذُنًا وَعِيَةً» به همین معنا اشاره دارد، چون "وعی" - فرا گرفتن - یکی از مصادیق هدایت شدن به هدایت ربوبی است و اگر خدای تعالی این وعی را به خودش نسبت نداد، همانطور که تذکره را به خود نسبت داد، برای این بود که منظور از تذکره اتمام حجت است که کار خداست، و اما وعی و فرا گرفتن، کار مستقیم او نیست، هر چند که هم ممکن است به او نسبت داده شود و هم به